

بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی - 11 / مهر / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید و از دیدار این مجموعه‌ی ارزشمند عزیز، بنده خیلی خوشوقت و خوشحالم. قبل از اینکه عرایض خودم را شروع کنم، یک جمله در مورد این برنامه‌ی دوستان عرض بکنم. خب مطالب خیلی خوبی گفته شد، هم آنچه اول، آقای دکتر افشین به عنوان کارهایی که میخواهند انجام بدهند و برنامه‌های آینده‌ی خودشان ذکر کردند، انسان را خوشحال و امیدوار میکند، هم دقت نظرها و حرفها و تحقیق‌ها و پیشنهادهایی که این چند نفر برادران و خواهران عزیز اینجا گفتند، درخور تأمل و توجه و پیگیری است. خب حالا این حرفها گفته شد. من دو مطلب اینجا میخواهم عرض بکنم.

در مورد حرفهای معاون محترم رئیس‌جمهور، خب شما الحمدالله از نعمت جوانی برخوردارید دیگر و یکی از خصوصیات جوانی همین است که ذهن فعال میشود، کار میکند، هدفهای بزرگی را در فضا و در هوا و در آسمان اول و دوم و سوم در نظر میگیرد که خوب است؛ من یک ذره تردید در حسن این کار ندارم، منتها یک نقصی در کار ما وجود دارد که ما طرح و برنامه و سیاست و پیشنهاد در مسائل گوناگون - همین مسائلی که دوستان گفتند - کم نداریم؛ آنچه کم داریم، «پیگیری» است؛ آنچه کم داریم، دنبال کردن است. رئیس تصمیم میگیرد، به معاون دستور میدهد، او هم میگوید، چشم؛ معاون به مدیرکل دستور میدهد، او هم میگوید، چشم؛ بعد از یک سال، نه رئیس از معاون میپرسد چه شد، نه معاون از مدیر میپرسد چه شد؛ لذا کار زمین میماند. این مطالبی که گفتید بسیار خوب بود، من صد درصد می‌پسندم و خرسند میشوم از شنیدنش اما دنبال کنید؛ اینها دنبال کردن میخواهد. ببینید چه جوری میشود اینها را عملی کرد، تحقق بخشید. این یک مطلب.

مطلب دوم راجع به اظهارات این عزیزان جوانی است که آمدند اینجا صحبت کردند. خب، هفت نخبه‌ی این کشور اینجا آمدند، راجع به موضوعات مختلف حرف زدند؛ این چیز کمی نیست. درباره‌ی مسائل گوناگون، از صنعت و اقتصاد و علوم انسانی و غیره و غیره، اینجا صحبت شد. اینها را چه کار کنیم؟ با حرفهای این حضرات چه جوری باید رفتار کرد، چه جوری برخورد کرد؟ من عرض این است: من میگویم شما این حرفها را بگیرید - ممکن است بعضی از پیشنهادهای غیر عملی باشد که همین جور هم هست، بعضی از نظرات و پیشنهادهای غیر عملی است اما خیلی‌هایش عملی است - ببینید این پیشنهاد مربوط به کدام مجموعه‌ی دولتی یا غیر دولتی است؛ به عنوان معاون رئیس‌جمهور - معاونت رئیس‌جمهور جایگاه بالایی است - از خود رئیس‌جمهور هم کمک بگیرید، این را از آن دستگاه بخواهید. حالا مثلاً مسئله‌ی مکران مطرح شد، یک پیشنهادی هم وجود دارد؛ خیلی خب، این پیشنهاد را چه کسی باید تحقق [بخشد]، با کدام دستگاه مرتبط است؛ آن را پیدا کنید؛ با خود پیشنهاددهنده هم در این زمینه مشورت کنید، بعد دنبال کنید تا تحقق پیدا کند؛ والا اینکه ما حرفهای خوب بزنیم و حرفهای خوب بشنویم، کار را به پایان نمیرساند. این عرایض ما.

از دوستانی که سخنان سنجیده و خوبی را اینجا بیان کردند، من از ته دل تشکر میکنم. ما در این روزها عزاداریم؛ بخصوص بنده، بجد عزادار هستم. حادثه‌ای که اتفاق افتاد حادثه‌ی کوچکی نیست؛ فقدان آقای سیدحسن نصرالله

حادثه‌ی کمی نیست و جدّاً ما را عزادار کرده. من با اینکه این فضا، فضای عزای عمومی در کشور است و به معنای واقعی کلمه عزا است، این دیدار را به بعد موکول نکردم. این دیدار از قبل برنامه‌ریزی شده بود، میشد بگوییم مثلاً هفته‌ی بعد انجام بگیرد؛ این کار را من نکردم؛ فکر کردم که این موضوع نباید عقب بیفتد؛ این جهت‌گیری، جهت‌گیری گرایش به نخبگی و نخبگانی، نباید عقب بیفتد؛ [لذا] جلسه را تشکیل دادیم. این تشکیل جلسه یک پیامی برای ما دارد؛ پیامش این است که ما گرچه در عزا هستیم، امّا عزای ما به معنی ماتم گرفتن و افسرده شدن و یک گوشه نشستن نیست؛ جنس عزای ما از جنس عزای سیدالشهدا (علیه السلام) است؛ زنده و زنده‌کننده است. عزاداریم امّا این عزا ما را به حرکت و پیشرفت و شوق بیشتر به کار وادار میکند. من میخواهم این پیام را در دل و جان خودمان، به معنای واقعی کلمه نفوذ بدهیم، احساس کنیم عزاداری ما هم باید ما را به پیش ببرد. من البته در زمینه‌ی مسائل لبنان و آنچه مربوط به این شهید بزرگ و عزیز است، عرایض دارم که در آینده‌ی نزدیکی ان شاءالله آنها را خواهم گفت.

در مورد بحث نخبگان، سه نکته را من در نظر گرفته‌ام که درباره‌ی هر کدام، به اختصار چند جمله‌ای را عرض میکنم. یک نکته عبارت است از توجّه به واقعیت نخبگی در کشور: کشور ما از لحاظ وجود نخبگان و وضعیت نخبگانی چه حالی دارد، چه وضعی دارد؟ آیا آنچه میگوییم و بعضی میگویند، مبالغه‌آمیز است یا نه؟ این یک نکته. علت اینکه من این بحث را مطرح میکنم این است که بعضی‌ها همچنان، مثل صد سال پیش و نود سال پیش، لیاقت و توانایی ایرانی را انکار میکنند؛ یا غفلت میکنند یا حتی انکار میکنند. هنوز کسانی در کشور ما هستند که حاضر نیستند بپذیرند که در این فضا، در این زیست‌بوم کنونی کشور ما اتفاقات بسیار بزرگی ممکن است رخ بدهد که برای دنیا هم تازه باشد و جدید باشد؛ هنوز بعضی هستند که این را باور نمیکنند. من میخواهم چند کلمه‌ای درباره‌ی این صحبت کنم.

نکته‌ی دوّم، راه حفظ و تکثیر و اثربخشی نخبگان است؛ چه کار کنیم که وجود نخبه، اثربخش بشود و تکثیر بشود، نخبه‌ها زیاد بشوند و نخبه‌ی ما، نخبه بماند و حفظ بشود؛ خودش و نخبگی‌اش. چند جمله‌ی کوتاهی در این زمینه من یادداشت کرده‌ام که عرض میکنم. مطلب سوّم، وظیفه‌ی نخبگان است؛ بالاخره شماها نخبه‌اید، وظایفی دارید؛ آن وظایف هم باید گفته بشود، اگرچه نخبه قاعدتاً وظیفه‌ی خودش را میداند.

در باب واقعیت نخبگی، حرف من این است که ما باید قدر کشورمان را و توانایی‌های ذهنی و فکری و هوشی کشورمان را که منجر به نخبگی میشود، بدانیم، بشناسیم و این داشته را شناسایی کنیم. یکی از بدترین آفتها برای یک انسان، یک فرد و یک جمع و یک کشور این است که داشته‌های خودش را نشناسد. از سوی بدخواهان ما، بدخواهان این کشور سعی میشود که داشته‌های ما را پنهان کنند یا انکار کنند؛ ما نباید این سعی آنها را بپذیریم، نباید تحمّل کنیم؛ باید سعی کنیم بعکس، داشته‌های کشور را بشناسیم. یکی از مهم‌ترین داشته‌ها، نخبه و زمینه‌های نخبه‌سازی است که زمینه‌ی نخبه‌سازی عمدتاً زمینه‌های طبیعی است و بعد هم زمینه‌های اجتماعی و قراردادی و سازمانی و مانند اینها است.

به نظر من، مهم‌ترین زمینه‌ی نخبگی، «بهره‌ی هوشی» است؛ در این زمینه، کشور ما جزو کشورهای پیشرو دنیا است؛ ایران جزو کشورهای پیشرو دنیا است. یک گزارشی به دست من رسید که شماها هم قاعدتاً دیده‌اید؛ یک گزارشی است از سوی یک مرکز بین‌المللی مخصوص تست بهره‌وری هوشی ملتها که مرتباً متوسط بهره‌ی هوشی ملتهای مختلف جهان را به تفکیک تعیین میکند. این گزارش، گزارش بروزشده‌ی سال ۲۰۲۴ است، آن‌طور که در این نوشته‌ای که به من داده شد وجود دارد. رتبه‌ی ایران در بین آن ۲۳ کشوری که من در این فهرست دیدم – ممکن است همه‌ی کشورهای دنیا را، دویست و خرّده‌ای کشور را محاسبه کرده باشند؛ در این گزارش من، ۲۳ کشور اوّل

دنیا بود - در [بین] این ۲۳ کشور، ایران کشور سوّم است. بعد از ایران ژاپن است، بعد سنگاپور است، بعد در ردیفهای بعدی کشورهای دیگر؛ مثلاً کانادا است، آلمان است، ایتالیا است، فرانسه است. فرانسه رتبه‌ی نوزدهم است، انگلیس رتبه‌ی بیست و یکم است، هند رتبه‌ی بیست و سوّم است؛ ما در این فهرست رتبه‌ی سوّمیم؛ این پدیده‌ی بسیار مهم و قابل توجهی است؛ این متوسط بهره‌ی هوشی ملت ایران است. عرض کردم که مهم‌ترین زمینه و ظرفیت برای نخبه‌سازی، بهره‌ی هوشی انسان است. البته بهره‌ی هوشی را باید فعال کرد، باید به عمل آورد، زمینه‌ها را باید برایش فراهم کرد، آنها هم در کنارش موجود است. خب این یک ثروت عظیمی است؛ اینکه در کشور ما متوسط بهره‌ی هوشی این قدر بالا است، چیز کمی نیست؛ این ثروت خیلی عظیمی است، ثروت انسانی فوق‌العاده‌ای است؛ این از همه‌ی آنچه در کشور از معدن و منبع و موقعیت جغرافیایی و غیره داریم، بالاتر است؛ نیروی انسانی.

البته قبل از انقلاب به این مسئله‌ی نخبگی و نخبه‌پروری اصلاً توجه نمیشد؛ آنجا به چیزهای دیگری توجه میشد. به بحث نخبه، نخبه‌ی فکری و ذهنی توجه نمیشد. بعد از انقلاب خب این کار شروع شد. در همان سالهای اوّل انقلاب که جوانها میدان پیدا کردند وارد عرصه‌های گوناگون بشوند، من رفته بودم جنوب؛ فکر میکنم شاید سال ۵۸، ۵۹ بود. آنجا جوانهای جهاد سازندگی، که تازه تشکیل شده بود، یک سیلو ساخته بودند؛ البته یک سیلوی کوچکی بود. سیلو ظاهراً یک فتاوری پیچیده‌ای دارد. به من گفتند که ما میتوانیم برای ظرفیت گندم کشور سیلو بسازیم؛ یعنی جوان، با این جرئت این ادعا را میکرد. جوانها وارد میدان شدند، بهشان میدان هم داده شد و به جایی رسیدند که حالا سیلو که هیچ، کارهای خیلی مهم‌تری را هم این جوانها، چه در جهاد، چه در غیر جهاد، انجام داده‌اند. بعد از انقلاب به توانایی‌های نخبگان جوان در کشور توجه شد؛ منتها این به قدر کافی، به قدری که شایسته است، در کشور مشاهده نمیشود؛ بیش از این بایستی در این زمینه کار بشود.

ما در خیلی از جاها احتیاج داریم به همین مسائلی که شماها اینجا بیان کردید. شما مسئله‌ی آب را گفتید. ما در مسئله‌ی نفت، در زمینه‌ی مسئله‌ی گاز، در مسئله‌ی انرژی هسته‌ای، در مسئله‌ی نان، در مسائل گوناگون، در دانشهای جدید مثل هوش مصنوعی و دیگر دانشها، احتیاج داریم به همین روحیه، به همین اقدام، به همین فکر، به همین توانایی و دانایی و پیگیری. باید نخبگان را وارد میدان کنیم؛ این یکی از کارهای مهم است. به نظر من این جزو کارهایی است که معاونت علمی رئیس‌جمهور میتواند انجام بدهد و اساساً ایجاد بنیاد نخبگان - که سالها پیش پیشنهاد شد، خوشبختانه مسئولین پذیرفتند و این بنیاد را تشکیل دادند - برای همین بود که نخبگان شناسایی بشوند و به کارهای مهم وادار بشوند. این مسئله‌ی اوّل که مسئله‌ی واقعیت نخبگانی در کشور بود.

در باب حفظ و تکثیر نخبگان، من عرض میکنم برای اینکه ما نخبه را اوّل نخبه نگه داریم، ثانیاً کشور از او استفاده کند، بعد به امیدهای واهی به فکر فرار کردن از کشور و خروج از کشور نباشد، کارهایی باید انجام بگیرد؛ مهم‌ترین کار این است که نخبه احساس کند وجودش در کشور اثرگذار است؛ نخبه دنبال این است دیگر. فرد نخبه، جوان نخبه مایل است که کشور از آن محصول ذهنی خودش و محصول علمی خودش استفاده کند. وقتی نخبه می‌آید داخل دانشگاه و با در بسته روبه‌رو میشود، میرود در فلان پژوهشگاه همین‌جور، در فلان دستگاه دولتی همین‌جور، این نخبه اگر هم در کشور بماند، دیگر نخبه نخواهد بود، میرود دنبال یک کار دیگری؛ نخبه‌ای که برای امرار معاشش سراغ تاکسی‌رانی هم برود، احتمالاً ممکن است وجود داشته باشد! ما نباید بگذاریم نخبه احساس کند که وجودش بی‌اثر است؛ باید اثرگذاری خودش را احساس کند. فرض کنید حالا امروز مثلاً یک نخبه‌ی فیزیک یا یک نخبه‌ی ریاضی، به کجا باید مراجعه کند؟ می‌خواهد وجودش مؤثر باشد دیگر؛ تحصیلات کرده و به رتبه‌ی نخبگی رسیده؛ الان در کشور ما یک نخبه‌ی ریاضی به چه کسی باید مراجعه کند تا کشور از وجود او، از دانش او، از نخبگی او، از ذهن او استفاده کند؟ البته اعتقاد خود من این است که اینجا هم معاونت علمی میتواند حلقه‌ی وصل باشد که خوب است به این کار توجه بشود و دنبال بشود. پس این مطلب اوّل: کلّ دستگاه - دستگاه دولتی و دیگر دستگاه‌های

حکومتی - بایستی سعی کنند از نخبه استفاده کنند تا نخبه احساس کند وجودش مورد استفاده است.

دوم: نخبه باید احساس کند که میتواند رشد کند. خیلی از جوانهای ما به نقاط خوب و مراتب خوب علمی دست یافته‌اند، اما قانع نیستند، مایلند تحقیق کنند، مایلند رشد کنند، مایلند دانش بیشتری پیدا کنند. تعداد زیادی از نخبه‌هایی که از کشور خارج میشوند دنبال این مقصودند. این را نباید حمل کرد بر اینکه با کشور قهر کرده‌اند؛ نه، چون فرضشان این است که در فلان کشور دیگر - حالا این فرض واقعیت دارد یا ندارد نمیدانم - بیشتر میتوانند تحقیق کنند، بیشتر میتوانند علم‌آموزی کنند. ما [باید] وسایل تحقیق را اینجا برایش فراهم کنیم و [برای این کار،] آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌های بزرگ، ارتباط با صنعت، ارتباط با کشاورزی، ارتباط با معدن لازم است. من باب مثال، این دانشجویی که مثلاً در رشته‌ی کشاورزی کار کرده، خب ممکن است در زمینه‌ی بهره‌وری از آب، بهره‌وری از بذر و امثال اینها پیشنهادهایی داشته باشد؛ او باید بداند که میتواند اینها را [اینجا] به کار بگیرد و این با ارتباط با دانشگاه، با صنعت و مانند اینها فراهم میشود؛ طرحهای مهمی را ممکن است ارائه بدهد. این هم یک مسئله است: راه‌های فراهم کردن امکانات تحقیق و افزایش علم.

یک عرصه‌ی مهم دیگر برای نقش‌آفرینی نخبگان، تشکیل اندیشکده‌ها است که البته جز با کمک دولت و پشتیبانی دولت، فعلاً در کشور ما امکان‌پذیر نیست؛ حالا ممکن است در آینده جور دیگری بشود، اما در حال حاضر اگر ما بخواهیم اندیشکده‌های فعال داشته باشیم، حتماً باید دولت کمک کند. این اندیشکده‌ها مجمع نخبگان هر رشته‌ای خواهد شد؛ این، آنها را دلگرم میکند، آنها را وادار به کار میکند. البته باز به نظر من حلقه‌ی وصل این اندیشکده‌ها با دستگاه‌های ذی‌ربط هم معاونت علمی رئیس‌جمهور است. البته باید دیوان‌سالاری‌ها حذف بشود. ما در زمینه‌های گوناگون، کاغذبازی و دیوان‌سالاری زیاد داریم؛ یک جاهایی مضر است اما مهلک نیست؛ در رابطه‌ی با مزاج ظریف نخبگان، این کاغذبازی‌ها مهلک است و پشت در نگه داشتن‌ها و منتظر نگه داشتن‌ها واقعاً بکلی [آنها را] از پا می‌اندازد. این هم این [مطلب]. به نظر من معاونت محترم علمی از انبوه سرمایه‌های انسانی و زبده باید حداکثر استفاده را بکند.

موضوع سوّم در باب وظیفه‌ی نخبگان. اولین سخن اینکه نخبه «مسئول» است. نخبه مثل همه‌ی آحاد جامعه است: کُلُّکُمْ رَاعٍ وَ کُلُّکُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ (۲) شما هر جا هستی مسئولید. حالا یکی از عناصر مسئول در جامعه فرد نخبه است. فرد نخبه مسئولیتش از آحاد متوسط مردم بیشتر است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه از تفضّلات الهی بیشتر بهره‌مند شده؛ شما هر مقداری که از تفضّلات الهی بیشتر بهره‌مند میشوید، به همان اندازه مسئولیتتان بیشتر میشود؛ [چون] قدرت پیدا میکنید، آبرو پیدا میکنید، علم پیدا میکنید، ثروت پیدا میکنید که اینها همه تفضّلات الهی است. ما یکم مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ؛ (۳) اینها همه از خدا است؛ پس مسئولیت را افزایش میدهد. بنابراین اولین سخن، مسئله‌ی مسئول بودن نخبگان است.

مطلب دوم؛ یک وظیفه‌ی مهمی امروز در کشور وجود دارد و آن، «خیزش جدید علمی» است. ما چند سال قبل دیدیم که مسئله‌ی علم و پیگیری علم و عبور از مرزهای دانش و مانند اینها مطرح شد، استقبال شد، دستگاه‌ها دنبال کردند، دانشگاه‌ها دنبال کردند، دانشمندان دنبال کردند و اثر کرد. گفتند سرعت رشد علمی کشور مثلاً حدود سیزده برابر بیشتر از متوسط دنیا است؛ [این] خیلی مهم است. سرعت پیشرفت این قدر زیاد است. البته بنده همان وقت گفتم ما به این آمار مغرور نشویم؛ (۴) چون خیلی عقبیم. سرعتمان را باید به همین کیفیت حفظ کنیم؛ خب یک کمی افت کرد، به این شکل حفظ نشد. تحولات علم در دنیا خیلی سریع است. شما خودتان همه اهل علمید، می‌بینید دیگر که تحولات علمی دنیا چقدر سریع است. ما یک خیزش جدید نیاز داریم، یک حرکت جدید نیاز داریم، یک نهضت جدید علمی نیاز داریم؛ این کار را چه کسی باید بکند؟ شما نخبگان. البته دانشگاه‌ها مسئولند، مراکز

علمی گوناگون، پژوهشکده‌ها و امثال اینها همه مسئولند لکن عامل اصلی، فرد نخبه است. دنبال خیزش علمی باشید و این جهاد شما است. البته من جلوی انواع دیگر جهاد شما را نمیگیرم – مثل جهاد مالی، جهاد تبیینی و امثال اینها – لکن جهاد عمده‌ی شما نخبگان عبارت است از همین حرکت علمی و خیزش جدید علمی و پیدا کردن تفوق علمی بر رقبایان و بدخواهان.

ما باید تفوق علمی داشته باشیم؛ ما دشمن داریم. دلایلی دارد که حالا جای بحثش اینجا در این جلسه نیست؛ یعنی همه‌ی کشورها، همه‌ی ملت‌ها، رقبایی، بدخواهانی، دشمنانی دارند، و ما بیشتر از خیلی از کشورهای دیگر. باید با تفوق علمی بر آنها غلبه پیدا کنیم، کمالینکه اگر در جایی غلبه‌ای هم داشتیم، بر اثر همین تفوق علمی و فتاوری بوده. من اینجا یادداشت کرده‌ام که برتری علمی و فتاوری گاهی میتواند دست دشمن را از ضربه وارد کردن به جمعیت‌های بزرگی مثل غزه و ضاحیه کوتاه کند. ما اگر چنانچه از لحاظ علمی مثلاً فرض بفرمایید در زمینه‌ی تسلیحات، از این [چیزی] که هستیم مبالغی جلوتر بودیم، یقیناً در اوضاع منطقه اثر میگذاشت، و میتوانست مانع از افروختن این آتشیهای سوزنده‌ی دلها و جانها بشود یا آنها را خاموش کند. حرکت علمی، تفوق علمی، یک چنین چیزهایی هم دارد.

البته علی‌العجاله هم توصیه‌ی بعدی به نخبگان، «تشکیل شرکتهای دانش‌بنیان» است. تعداد شرکتهای دانش‌بنیان، آنچه در پایان برنامه (۵) پیش‌بینی شده، ظاهراً سی هزار است که خوب با آن خیلی فاصله داریم. البته نشان افتخار شرکت دانش‌بنیان را نباید پایین آورد؛ نباید جوری عمل کرد، جوری شرکت تشکیل داد که به معنای واقعی کلمه دانش‌بنیان نباشد. بایستی به معنای واقعی کلمه دانش‌بنیان باشد و سخت‌گیری‌های لازم در ارزیابی‌ها انجام بگیرد، اما تعداد باید زیاد بشود؛ این کار نخبگانی است.

عرایض من تمام شد. به مسائل غزه و لبنان، همان‌طور که عرض کردم، ان‌شاءالله خواهم پرداخت اگر عمری باقی باشد. فقط یک کلمه من عرض بکنم و آن، این است که در این منطقه‌ی ما، اساس مشکل – که این درگیری‌ها و جنگ‌ها و نگرانی‌ها و دشمنی‌ها و مانند اینها را به وجود می‌آورد – ناشی از حضور همان کسانی است که دم از صلح و آرامش منطقه میزنند؛ یعنی آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی. اینها اگر شرشان را از این منطقه کم بکنند، بدون شک، این درگیری‌ها، این جنگ‌ها، این برخوردها بکلی از بین خواهد رفت و کشورهای منطقه میتوانند خودشان را اداره کنند، منطقه‌شان را اداره کنند، با هم با صلح و سلامت و عافیت زندگی کنند. یک روز یک کشوری را تحریک میکنند، یک کسی مثل صدام را تحریک میکنند، آن‌جور قضایای سخت و تلخ به وجود می‌آید؛ یک روز او نیست، پشتیبانهایش هم نیستند، محبت بین دو کشور میشود مثل راه‌پیمایی اربعین که خود شماها از نزدیک دیده‌اید؛ یعنی مسئله این‌جوری است، و با دیگر کشورها هم همین‌جور است. حضور خود آن کسانی که امروز دم از آرامش منطقه میزنند و دروغ میگویند، اساس اصلی مشکلات این منطقه است. ما امیدواریم که به توفیق الهی، با همت بلند ملت ایران و با کمک از الهامات انقلاب اسلامی و با همکاری دیگر ملت‌ها، شر دشمنان را از این منطقه ان‌شاءالله کم کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، آقای حسین افشین (معاون علمی، فتاوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان) گزارشی ارائه کرد. همچنین، آقایان میلاد لطفی (دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل)، حجت میان‌آبادی (دکترای مدیریت آب)، سیدعلی مدنی‌زاده (دکترای اقتصاد و دارنده‌ی نشان برنز المپیاد جهانی ریاضی سال ۲۰۰۰)، رسول لوایی (دکترای توسعه‌ی کشاورزی و دارنده‌ی جایزه‌ی تحصیلی بنیاد ملی نخبگان)، سجاد انتشاری (دکترای مدیریت منابع آب و دارنده‌ی جایزه‌ی تحصیلی بنیاد ملی نخبگان) و خانمها مریم رضاپور (دکترای مهندسی صنایع و رتبه‌ی اول دوره‌ی دکتری)، حثانه خرم‌دشتی (دانش‌آموز پایه‌ی دوازدهم دبیرستان فرزنانگان ۲ و دارنده‌ی نشان طلای

المپیاد جهانی نجوم و اخترفیزیک سال ۲۰۲۴) مطالبی بیان کردند.

۲) منیة المرید، ص ۳۸۱ ؛ «همه‌ی شما به مثابه‌ی چوپان هستید و همه مسئول رعیتی هستید که به شما سپرده‌اند.»

۳) سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۵۳ ؛ «و هر نعمتی که دارید از خدا است ...»

۴) از جمله، بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (۱۳۹۱/۳/۱۴)

۵) برنامه‌ی هفتم توسعه